



که در افزایش نیروگاه بزنند. اما هنوز ۵۰ درصد کمبود برق داریم و در همه عراق خاموشی‌های گسترده وجود دارد. در آن سفر متوجه شدم که تقابل ایران و آمریکا اصلاً یک مسأله صرف سیاسی، نظامی یا تکنولوژیک نیست. این یک تقابل فکری و فلسفی است. این یک تفاوت اخلاق مدارانه بین نگاه یک شرکت از جمهوری اسلامی ایران به مسأله اقتصاد و پیشرفت و یک شرکت آمریکایی است که بجز سود و سرمایه چیز دیگری را نمی‌بیند. ما جهان بینی مان با آنها متفاوت است.

و خدمات ندارد؟ گفت آنها اصلاً ما را آدم به حساب نمی‌آورند. با پول نفت اینها را برای ما نصب کرده‌اند و حالا اصلاً پاسخ نمی‌دهند. بعد همان مدیر که سابق مهندس نیروگاه بود، گفت حتی زمانی که در حال نصب پروژه بودند، می‌رفتند داخل اتاق و در را می‌بستند که ما سر از کار درنیاوریم! یک نیروگاه دیگر را رفتیم دیدیم یک سیستم کنترلی به روز و جدید از یک شرکت غیر آمریکایی توی انبار خاک می‌خورد. از ما خواستند این را در یک نیروگاه دیگر برایشان نصب کنیم. گفتیم این چرا در انبار است؟ گفتند شرکت آمریکایی که می‌آید، شرطش این است که همه سیستم باید آمریکایی باشد. این را کهنده و فرستاده انبار و کارت خودش را نصب کرده است. ما آن پروژه را هم قبول کردیم و خیلی سریع در یک نیروگاه دیگر نصب کردیم و بخشی از کارش را به مهندسان عراقی آموزش دادیم. یکی از مهندسان رده بالای صنعت برق عراق در همان سفر می‌گفت ما تا امروز چندین برابر نیاز برق داخلی عراق به آمریکایی‌ها نفت فروخته‌ایم

”

در آن سفر متوجه شدم که تقابل ایران و آمریکا اصلاً یک مسأله صرف سیاسی، نظامی یا تکنولوژیک نیست. این یک تقابل فکری و فلسفی است. این یک تفاوت اخلاق مدارانه بین نگاه یک شرکت از جمهوری اسلامی ایران به مسأله اقتصاد و پیشرفت و یک شرکت آمریکایی است که بجز سود و سرمایه چیز دیگری را نمی‌بیند

